دوفصلنامه علمی ـ تخصصی فقه و قضا
سال سیزدهم/شماره ۱۸/بهار و تابستان ۱۴۰۰

Two quaterly scientific- specified
jurisprudence and judgment Years, ۱۳ No.۱۸,
Spring and Summer 2021

اهداف مجازاتها در سیاست جنایی اسلام

□ خلیل الله محمدی *

چکیده

مجازات از منظر سیاست جنایی اسلام، کیفری است که برای حفظ مصلحت جامعه و در راستای حفظ نظام اجتماعی، درمقابل سرپیچی افراد از قوانین و دستورات خداوند، برای مرتکبین جرم وضع شده است. به‌طورکلی مجازات‌های کیفری دارای اهدافی خاصی است که هم در حقوق عرفی و هم در حقوق کیفری اسلام مدنظر قرار دارد. هدف از مجازات‌ها در حقوق کیفری ارعاب مجرم، سزا دادن، اصلاح و بازپروری، ناتوان‌سازی وی، عدالت ترمیمی و رضایت مجنی علیه است. اما اهدافی که سیاست جنایی اسلام در پی آن است عام‌تر و وسیع‌تر از اهداف حقوق کیفری عرفی است؛ زیرا اسلام علاوه بر اهداف دنیوی که منطبق با اهداف حقوق عرفی یا کیفری نوین هست، اهداف دیگری به‌عنوان اهداف اخروی نیز دارد که همان سعادت بشر در آخرت است. ازاین‌رو اهداف مجازات‌ها در سیاست جنایی اسلام در راستای برقراری قسط و عدالت، اصلاح و بازپروری مجرمین، بازدارندگی عمومی و خصوصی و هم‌چنین جبران خسارت بزه دیده و پاسداشت از حریم الهی و دفاع از جامعه و ارزش‌های آن است. تمام مکاتب اعم از وحیانی و مادی، به دنبال تأمین عدالت در بُعد فردی و اجتماعی می‌باشند. هیچ مکتبی نمی‌تواند نسبت به عدالت بی تفاوت باشد و لااقل شعار عدالت‌خواهی سر ندهد. مکتب اسلام که نشأت‌گرفته از حکمت و عدالت ربوبی است، تمام دستورها و مقررات خود را بر اساس

* دانشجوی دکتری فقه وحقوق قضایی مجتمع عالی فقه جامعة المصطفی ﷺ العالمیة.

عدالت و برای تأمین آن در زندگی فردی و اجتماعی انسان تشریع نموده است که این عدالت در بُعد جزایی نمود بیش‌تری دارد. بدون تردید مجرم با ارتکاب جرم، از طرفی حرمت احکام الهی را می‌شکند و قانون دینی را نقض می‌کند و از طرفی دیگر به حقوق افراد و جامعه تجاوز می‌کند. ازاین‌رو از یکی از مهم‌ترین اهداف حقوق کیفری اسلام حفظ نظام اجتماعی و دینی است و این هدفِ بلند تأمین نمی‌شود، مگر این‌که انسان‌ها از طریق اصلاح و تربیت یا از طریق ارعاب و ترس از مجازات، از ارتکاب اعمالی که ارکان نظام اجتماعی را خدشه دار می‌کند بازداشته شوند.

واژگان کلیدی: سیاست جنایی، اهداف مجازات‌ها، تأمین عدالت، جبران خسارت، بازپروری بزهکاران.

مقدمه

بدون شک مجازات‌های اسلامی دستیابی به هدف یا اهداف خاصی را مدنظر دارند. این مقررات را شارع حکیم وضع کرده و قانون‌گذاری مبتنی بر حکمت، همواره هدفمند است. شارع مقدس در باب اهداف مجازات‌ها نظام خاص را طراحی ننموده، اهداف مجازات‌های اسلامی را باید در چارچوب انتظارات عقلایی از قبیل اجرای عدالت، اصلاح و بازپروری بزهکاران، بازدارندگی و جبران خسارت از اجرای کیفر استنباط نمود؛ و از طرف دیگر، در اکثر جرائم علاوه بر این حرمت شکنی، مجرم به منافع و خواسته هایی دست می‌یابد که نامشروع و غیر قانونی هستند و رسیدن به آن منافع از طریق ارتکاب جرم، موجب محرومیت دیگران از حق مشروع خود می‌گردد.

هم‌چنین مجرم با ارتکاب جرم، عواطف و احساسات مجنی علیه و بستگان او و سایر افراد جامعه را جریحه دار می‌کند و احساس امنیت و آسایش اجتماعی را که یکی از ارکان حیات اجتماعی سالم هست از بین می‌برد و تمام این‌ها از بین بردن عدالت در بُعد فردی و اجتماعی است. ضمن اینکه هدف اصلی که اسلام برای تمامی انسان‌ها پیش مدنظر قرار داده رسیدن به سعادت و کمال است اما ازآنجاکه انسان‌ها در بدو تولد، اوصاف الهی را بالفطره و به‌صورت قوه محض دارا هستند در این دنیا فرصت دارند تا آن اوصاف را شکوفا نموده و از قوه به عرصه فعلیت برسانند اما در این میان برخی از انسان‌ها بر اثر عوامل مختلفی اهداف اصلی انسانی را گم نموده و در مسیر

اشتباه حرکت می‌کنند خطاهای انسانی محدوده وسیعی از عملکرد او را دربرمی‌گیرد اما آنچه در این نگارش مطمح نظر قرار دارد کج روی از قوانینی است که توسط حکومت اسلامی تعیین شده و آن را در اصطلاح حقوقی و جرم‌شناسی جرم می‌گویند. اینکه اسلام برای بازگرداندن این‌گونه افراد که کج روی و انحراف را در پیش گرفته‌اند چه تدابیر و شیوه‌های را در نظر می‌گیرد تا آن‌ها دوباره به اهداف حقیقی فرد و جامعه برگردانده شود؟ پاسخ این سؤال در حدی که به قلمرو سیاست جنایی مربوط می‌شود موضوع این نگارش را به خود اختصاص داده است. اما پیش از پرداختن به آن ابتدا ضروری و لازم به نظر می‌رسد که مفهوم برخی از کلمات و واژه‌های به‌کاررفته در این مقاله به‌صورت مختصر موردبحث و بررسی قرار بگیرد تا پس از آن اهداف مجازات‌ها در مکتب اسلام مورد تبیین قرار بگیرد.

۱. مفاهیم و کلیات

۱-۱) مفاهیم

در این بخش واژهای مهمی که در این نگارش به‌کاررفته است موردبررسی قرار می‌گیرد.

الف. مجازات

تبیین مفهوم مجازات دارای دو بُعد است یک بعد آن لغوی و دیگری اصطلاحی است.

۱- مفهوم لغوی

مجازات در لغت به معنای جزا دادن، پاداش و کیفر آمده است. (عمید ،۱۳۵۵:۹٤۷) و هم‌چنین از بررسی آیات. و روایات وارده در باب مجازات‌ها به عناوین ذیل برمی‌خوریم: قصاص، حد، رجم، قطع ید و... و دیه ازجمله مجازات محسوب می‌شود. به‌طورکلی مفهوم مجازات ازلحاظ لغوی به معنای پاداش هست اعم از این‌که پاداش کار نیک باشد یا کار بد؛ اما در عرف، مفمولا به سزای عمل بد مجازات گفته می شود.

۲-. مفهوم اصطلاحی

در اصطلاح حقوق تعاریف متفاوتی از مجازات به عمل آمده است. مجازات عبارت است از تنبیه و کیفری که مرتکب جرم تحمیل می‌شود.(شامبیاتی، ۱۳۸۸/ ۲: ۲۸۰) طبق این تعریف، مفهوم رنج از مفهوم مجازات غیرقابل تفکیک است و درواقع رنج و تعب است که مشخِّص حقیقی مجازات هست.(علی آبادی،۱۳۸٦: ۱) و یا «مجازات واکنش جامعه علیه مجرم» است. (خزانی، ۱۳٦۷-۱۳٦٦:ص ۱)

یکی از نویسندگان در مورد تعریف مجازات می‌نویسد:« مجازات عبارت از آزاری است که قاضی به علت ارتکاب جرم و به نشانه نفرت جامعه از عمل مجرمانه و مرتکب آن برای شخصی که مقصر است بر طبق قانون تعیین می‌کند». (باهری، بیتا: ۳٦٦)

ب. سیاست

۱. مفهوم لغوی

کلمه سیاست واژه‌ای عربی است که از ریشه «ساس، یسوس» گرفته‌شده است و به معنای قیام کردن برای امری و تدبیر و اداره آن امر است؛ ساس الامر سیاسه یعنی «قام به». سیاست یعنی اقدام برای چیزی به آنچه مصلحت آن چیز است. (پیوندی، ۱۳۸۸: ۳۵) هم‌چنین بعضی از اهل لغت گفته‌اند:«السیاسه استعلاج الخلق بارشادهم الی الطریق المنجی فی العاجل و الآجل». (معلوف،بیتا/۱:۳٦۲) یعنی سیاست عبارت است از همت گماشتن به اصلاح و هدایت مردم به راهی که در دنیا و آخرت موجب رهایی و نجات شان گردد. در لغت معانی مختلف دیگری نیز برای این واژه ذکر شده است که عبارت‌اند از: نگهداری و حراست از ملک، رعیت‌داری کردن، حکومت، ریاست و داوری، مصلحت، دوراندیشی و قهر کردن و هیبت نمودن، ضبط ساختن مردم از فسق به ترساندن و زدن، محافظت از حدود و ملک و عدالت.(دهخدا،۱۳۷۷/۱۳۸٦:۲) زبیدی سیاست را به معنای قیام به مصلحت معنا نموده و می‌نویسد: «السِّیَاسَةُ:القِیامُ علی الشیْءِ بما یُصْلِحُه».(واسطی زبیدی،۸/۱٤۱٤: ۳۲۲) واژه سیاست در زبان فارسی نیز در معانی متعددی استعمال شده است. از این نظر مشترک لفظی است. گاه سیاست به معنای اداره کشور

است و معانی متعددی مانند پاس داشتن ملک، نگاه داشتن، حفاظت، حکم راندن بر رعیت، رعیت داری کردن، حکومت و ریاست همگی به همین معنا برمی‌گردند که مرادف آن در زبان انگلیسی polothcs است.(دهخدا، پیشین) گاه نیز در زبان فارسی به معنای تأدیب و مجازات است.(معین، ۱۳۸۰:ذیل واژه سیاست)

۲- مفهوم اصطلاحی

در خصوص تعریف اصطلاحی « سیاست» نویسندگان علم سیاست، تعاریف مختلف و گوناگونی را از آن ارائه داده اند و این به دلیل پیچیدگی‌ها و دشواری‌های مفهوم سیاست هست. یکی از نویسندگان در تعریف آن می‌نویسد:« سیاست علمی است که همه شکل‌های رابطه‌ای قدرت را در زمان و مکان‌های گوناگون بر می‌رسد و چگونگی و جهت اعمال این قدرت را می‌نمایاند». (ابوالحمد، ۱/۱۳۷۰: ۲۹)

به عقیده برخی، سیاست به مفهوم گسترده شامل فرایند تصمیم‌گیری و اجرای آن از سوی هر گروهی است که به وضع و اجرای مقرراتی برای اعضای خود می‌پردازد هم‌چنین برخی از نویسندگان می‌گویند سیاست به معنای مدیریت کلی دولت و راهبرد امور عمومی برای مصلحت جمعی و انتخاب روش‌های بهتر در اداره شئون کشور، یا علم اداره یک جامعه متشکل یا هنر تمشیت امور مردم در رابطه با دولت، هست یکی از نویسندگان اسلامی در کتاب خود می‌نویسد:« سیاست به هرگونه افعال و فعالیت‌های اطلاق می‌شود که انسان به‌واسطه آن به صلاح نزدیک می‌شود و از تباهی و فساد دور می‌گردد». (المرزوقی،۱۹۹۷: ۳٤۷)

تعاریفی دیگری که از سیاست شده است نزدیک به همین معناست ازجمله؛ یکی از نویسندگان در این زمینه می‌گوید:« سیاست یعنی اتخاذ تدابیری جهت اداره جامعه انسانی و هدایت آن به‌سوی رشد و تعالی». (جهان بزرگی، ۱۳۸۰: ۱۲٤)

همان‌گونه که ملاحظه می‌گردد، در اینکه سیاست به معنای تنظیم و اداره امور جامعه است، همه تعاریف یادشده، مشترک هستند. به بیان یکی از نویسندگان، سیاست اصطلاحی، به معنای تدبیر و اداره عمومی اجتماع است که دارای حاکمیت و سلطه است به‌عبارت‌دیگر تدبیر و اداره کردنی

که از ناحیه حکومت ناشی می‌شود. (قپانچی، بیتا: ۸) امام خمینی نیز در تعریف سیاست می‌نویسد:« سیاست آن است که جامعه را هدایت و راهبری کند و تمام مصالح جامعه و تمام ابعاد انسان را در نظر بگیرد و آن‌ها را به سمت آن چیزی که به صلاحشان است هدایت کند». (موسوی خمینی، ۱۳۸۰/ ۱۳: ۲۱۸-) ۲۱۷. بنابراین سیاست عبارت از آن راهکاری است که انسان‌ها بتوانند با آن به اهداف انسانی و اهدافی که برای رشد و تعالی جامعه در نظر گرفته‌شده است، برسند.

ج. سیاست جنایی

سیاست جنایی یکی از شاخه‌های مستقل علوم جنایی است که امروزه به‌عنوان یک دانش کاربردی با جنبه های اجرایی در کنار علوم کاربردی دیگر همچون (سیاست خارجی، سیاست بهداشتی، سیاست اقتصادی و ...) در قلمرو کاری حکومت‌ها مطرح است. سیاست جنایی در چارچوب یک استراتژی کلی که همان سیاست اجتماعی یک دولت یا جامعه‌ای از دولت است، قرار می‌گیرد. سیاست جنایی از یک‌سو امر خاصی (بزهکاری) را در جامعه مورد تجزیه‌وتحلیل قرار می‌دهد و از سوی دیگر، به‌منظور پاسخ به وضعیت بزهکاری یا کژروی (انحراف)، یک استراتژی را مورد عمل قرار می‌دهد.

سیاست جنایی در سیر تحول مفهومی خود معانی گوناگونی به خود دیده است که می‌توان آن‌ها را به دودسته مضیّق و موسع تقسیم کرد.

۱- مفهوم مضیّق سیاست جنایی

اصطلاح و مفهوم سیاست جنایی اولین بار توسط دانشمند آلمانی "آنسلم فون فوئر باخ"(Anselm von Feuerbach)برای بیان راه کارها، سیاست‌ها و ساختار واکنش متکی بر ضمانت اجرایی دولتی به کار گرفته شد و مراد از آن را مجموعه اقدامات و شیوه‌های سرکوبگرانه‌ای دانست که دولت با استفاده از آن‌ها علیه جرم واکنش نشان می‌دهد.(سلیمی و داوری، ۱۳۸۵ : ۵۰۳)

سیاست جنایی از دیدگاه برخی علمای حقوق به‌طور ساده و مختصر عبارت است از « درک، تدبّر و اداره مسائل و امور جامعه» برین سان سیاست جنایی از یک‌سو با تجزیه‌وتحلیل و فهم یک امر

خاص در جامعه، یعنی پدیده مجرمانه و بزهکاری و از سوی دیگر با عملی ساختن یک استراتژی و راهبرد به‌منظور پاسخگویی به وضعیت های بزهکاری یا کج روی (انحراف) در ارتباط است. پس با توجه به مطلب فوق، می‌توان گفت سیاست جنایی عبارت است از کلّیه تدابیر و اقدام های پیشگیرانه و سرکوبگرانه‌ای که دولت و محاکم قضایی، به‌صورت مستقل و جداگانه و یا با مشارکت یکدیگر، جهت پیشگیری از جرم، مبارزه با بزهکاری، اصلاح و یا سرکوب مجرمین به کار می‌برند. (سالارزایی و فاطمه جان جان، ۱۳۹۰: ۱۰۱)

عناصر درخور توجه در تعریف فوئر باخ را که تعریف بسته از سیاست جنایی و بیانگر مفهوم سیاست کیفری است، می‌توان به شرح زیر برشمرد:

۱. این تعریف، ناظر به « مفهوم مضیّق سیاست جنایی» است بدین‌سان ابزار و شیوه‌هایی مبارزه با جرم، مطابق این تعریف، ماهیتی قهرآمیز، تنبهی و سرکوبگرانه دارد. و اجرای مجازات و سرکوب تنها راه جلوگیری از وقوع جرم دانسته شده است و به اقدامات پیشگیرانه در این تعریف توجهی صورت نگرفته است.

۲. سیاست جنایی ابزار دولت و حاکمیت است و جلوگیری از وقوع جرم فقط وظیفه دولت است به‌گونه‌ای که سایر اقشار و آحاد جامعه هیچ گونه نقشی در مبارزه با پدیده مجرمانه ندارند.

۳. واژه جرم در این تعریف نشانگر این است که وظیفه دولت فقط مبارزه با پدیده مجرمانه است و به کژروی‌ها و انحرافات هرچند که مخالف با هنجاری‌های جامعه باشد کاری ندارد.

۲- مفهوم موسع سیاست جنایی

تعریفی دیگری که از سیاست جنایی ارائه گردیده است تنها به روش سرکوبگرانه و قهرآمیز دولت خلاصه نمی‌شود سیاست جنایی در تعریف موسع خود شامل کلیه تدابیری است که در مقابله با جرم و انحراف توسط جامعه و دولت اتخاذ می‌گردد. (قیاسی، ۱۳۸۵ : ٤١)

در این تعریف اولاً تدابیر و شیوه‌های اتخاذ شده، منحصر به تدابیر کیفری نبوده، تدابیر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را نیز دربر می‌گیرد ثانیاً مبارزه با انحراف نیز مشمول تعریف می‌شود و ثالثاً امر مبارزه با پدیده مجرمانه و انحرافات فقط به نهادهای دولتی محدود نمی‌شود بلکه جامعه نیز

در این مسئله با دولت شریک است

نکته قابل تأمل آن است که سیاست جنایی را نباید با سیاست کیفری اشتباه گرفت زیرا سیاست کیفری با سیاست جنایی از همدیگر متمایزند به دلیل اینکه ساست کیفری فقط شامل مجموعه اقدامات سرکوبگرانه و کیفری دولت است که با استفاده از آن، دولت در قبال جرم و مجرمین واکنش نشان می‌دهد درحالی‌که سیاست جنایی هم شامل اقدامات سرکوبگرانه و کیفری و هم شامل ابزارهای غیر کیفری می‌شود. (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۲: ۱۰) پس قلمرو سیاست جنایی بسیار وسیع‌تر از سیاست کیفری بوده و شامل سیاست کل دولت درمقابل پدیده مجرمان است.

در اینکه آیا در اسلام سیاست جنایی وجود دارد یا نه می‌توان گفت تردیدی نیست که اسلام در مبارزه با جرائم از سیاست کیفری ویژه‌ای برخوردار است مبارزه با جرم و انحراف یکی از اهداف مستقیم و مهم تمام انبیاء الهی بوده است در قران کریم نیز اعمالی که امروزه تحت عناوین مجرمانه قرارمی گیرند تحت عناوین کلی متعدد و متنوعی موردبحث قرار گرفته‌اند که تعداد آنها صرف نظر از مشتقات مختلف، تقریباً به ٢٤ عنوان می‌رسد عناوین مانند افساد، کفر، شرک، عصیان سیّئه، فحشا، جرم و... بیانگر توجه جدی قران کریم به موضوع سیاست جنایی است هر یک از عناوین مذکور و مشتقات آن‌ها تعدادی از آیات قران را به خود اختصاص داده که مجموع آن‌ها بالغ بر صدها آیه می‌شود.

بدیهی است مکتبی که علاوه بر ضمانت اجرای دنیوی به ضمانت اجرای اخروی در قبال ارتکاب اعمال فوق، نیز پرداخته و حیات ابدی انسان‌ها را در گرو مبارزه فردی و اجتماعی با فساد و فحشا می‌داند و پیامبری که هدف خود را تکمیل کرامت‌های اخلاقی می‌داند.(طبرسی، ۱۳۹۲: ۸) نمی‌تواند نسبت به مبارزه با پدیده مجرمانه و انحرافات بی‌تفاوت و ساکت باشد. اسلام با استفاده از تمام ابزارها هم چون اخلاق و حقوق به انواع سیاست جنایی (مشارکتی- دولتی) در تمام مراحل آن یعنی از پیشگیری گرفته تا قبل از ارتکاب جرم و اصلاح و درمان مجرمان پس از ارتکاب جرم، توجه داشته است. کثرت آموزه‌های دینی مرتبط با این مسئله که در متون دینی آمده است ما را از ذکر آن‌ها بی‌نیاز می‌کند. از طرف دیگر چنان‌که در تعریف سیاست جنایی گفته شد ویژگی‌های زیر را می‌توان از اوصاف کلی تمام سیاست‌ها برشمرد:

۱. مجموعه‌ای از اعمال هستند نه یک عمل واحد.
۲. خاصیت تکرار و تداوم دارند بنابراین عمل مقطعی و اتفاقی سیاست شمرده نمی‌شود.
۳. دارای هدف هستند چنانکه گاهی هدف آن سرکوبگری جرم و مجرم است و گاهی نیز هدفش پیشگیری از وقوع جرم است
٤. مجموعه اعمال مذکور هماهنگ و با یکدیگر در راستای تحقق بخشیدن به یک هدف هستند.
٥. توجه به اولویت‌ها در سیاست جنایی اهم و مهم در نظر گرفته می‌شود و هرکدام که اولویت داشته باشد مقدم می‌شود به‌عنوان مثال؛ امنیت نسبت به امور دیگر دارای اولویت و اهمیت بیشتری است و در مرحله بعدی حفظ جان و سپس حفظ ناموس و مال از اهمیت برخوردارند.
٦. کلی بودن. سیاست جنایی به مسائل کلی می‌پردازد و وارد جزئیات نمی‌شود.
با عنایت به خصایص فوق می‌توان ادعا نمود که دین مقدس اسلام از سیاست جنایی خاصی برخوردار است و عمده ترین اهداف سیاست جنایی اسلام شامل حفظ جان، مال، ناموس، دین و عقل می‌شود که برای حفظ هریک از آن‌ها تدابیر ایجابی و سلبی ویژه‌ای در نظر گرفته‌شده است.

۲-۱) کلیات

بعد از تبیین مفاهیم به‌کاررفته در نگارش، ضروری به نظر می‌رسد که در این قسمت، انواع سیاست جنایی موردبررسی و تبیین قرار بگیرد. به‌طورکلی سیاست جنایی به سیاست تقنینی، قضایی و مشارکتی تقسیم می‌گردد.

الف-انواع سیاست جنایی

سیاست جنایی اعم از موسع و مضیّق؛ شامل مجموعه وسیعی از تدابیر و پاسخ‌های هیئت اجتماع در برابر پدیده بزهکارانه است. این وسعت قلمرو موجب شده است که سیاست جنایی دارای گونه‌ها و اقسام مختلفی باشد

۱- سیاست جنایی تقنینی

از میان گونه‌های مختلف سیاست جنایی، سیاست جنایی تقنینی به‌عنوان اساسی ترین و

اصلی‌ترین رکن آن به شمار می‌رود. بنابراین تعاریف مختلفی از آن ارائه‌شده است برخی از حقوق‌دانان در این زمینه می‌نویسد:« سیاست تقنینی را می‌توان به طرز تلقی و برداشتی که مقام قانون‌گذاری در قالب وضع و تصویب متون مختلف از سیاست جنایی دارند و یا آنچه قانون‌گذار به ما ارائه می‌کند، تعبیر نمود». (آقا زاده،۱۳۸۱: ۷)

یکی دیگر از نویسندگان در تعریف آن می‌نویسد:« سیاست جنایی تقنینی به‌عنوان نخستین لایه سیاست جنایی در یک دولت- جامعه قانون‌مدار. عبارت است از تدابیر و چاره‌اندیشی قانون‌گذار در مورد بزهکار و پاسخ به آن». (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۲: ۲۵۹) به‌عبارت‌دیگر سیاست جنایی تقنینی را می‌توان سلیقه‌ی قانون‌گذار در موارد انواع "بزهکاری انگاری " و چگونگی رویارویی با پدیده بزهکارانه دانست که تبلور آن در قوانین مختلف هر جامعه از قوانین کیفری شکلی و ماهوی آن منعکس می‌شود.(همان) بنابراین سیاست جنایی تقنینی طرز برداشت و تلقی مقام قانون‌گذاری در قالب وضع و تصویب مختلف از سیاست جنایی است.

۲- سیاست جنایی قضایی

نحوه برداشت مقام‌های قضایی از مقررات سیاست جنایی تقنینی را می‌توان سیاست جنایی قضایی نامید(آقا زاده،۱۳۸۱ :۷) و به دیگر بیان سیاست جنایی قضایی یاستی است که درخواست و اراده و اعمال و رفتار قضات دادگستری تجلی می‌یابد و در راستای اجرای سیاست تقنینی نمودار می‌گردد. بنابراین سیاست جنایی قضایی به معنای مضیّق آن یعنی سیاست جنایی که در تصمیم ها و عملکردهای دادگاه های دادگستری منعکس و مندرج است. این سیاست می‌تواند متأثر از رویه قضایی، بخشنامه‌ها، دستورالعمل‌ها، آرای دیوان عالی کشور و موارد مشابه باشد.

همچنین تفسیر قوانین و مقررات جزایی در زمان و مکان، متغیر و متفاوت است. درک متفاوت از قوانین و پیام‌های سیاست جنایی تقنینی و قضایی، عملکرد متفاوت دادگاه ها، اجرای متفاوت قوانین به وسیله قضات و ضعف امکانات ساختاری و ماهوی مجموعاً می‌توانند در بررسی و تأثیر بر یک سیاست جنایی قضای مدرن و قانون‌مدار دارای اهمیت فراوان است. (رضایی، ۱۳۹۰: ۵۸)در حقیقت سیاست جنایی قضایی برونداد سیاست جنایی تقنینی در جریان رسیدگی قضایی

است و نیز تفسیری است که قضات دادگاه ها در حین اجرای قانون از آن به عمل مـی‌آورنـد و آن را به اجرا می‌گذارند. (رحمدل،۱۳۸٦: ١٦)

۳- سیاست جنایی مشارکتی

ازآنجاکه مبارزه علیه پدیده مجرمانه و پیشگیری از انحرافـات و بزهکـاری بـا مشـارکت و نظـارت فراگیر مردمی رمز و راز کارآمد یک نظام موفق کیفری است سیاست دیگری به نام سیاسـت جنـایی مشارکتی در عرصه عمل و نظـر نمـودار مـی‌شـود و ایـن بـدین معناسـت کـه نهادهـای مردمـی و شهروندان باید با دولت در مورد ماهیت، رسالت و اهداف سیاست جنایی به‌صورت خودجوش یـا سازمان یافته در تمام مراحل تدوین و اجراء، اتخاذ و اعمال اقدام های اجتمـاعی پیشـگیرانه نقـش فعال و گسترده‌ای داشته باشند چه اینکـه مشـارکت وسـیع جامعـه مـدنی در امـر مبـارزه بـا پدیـده مجرمانه کم‌هزینـه‌ترین راه مواجهـه بـا جـرم اسـت و یکـی از بهتـرین ضـمانت اجراهـای قـانونی به‌حساب می‌آید. هم چنانکه در آموزه‌های دینی ما هم می‌توان به برخی از تـدابیر سیاسـت جنـایی از قبیل نهاد امربه‌معروف و نهی از منکر، اصلاح ذات البین و مواردی دیگری اشاره داشت.

۲. اهداف مجازات در اسلام

در حقوق جزای اسلامی به فطرت انسانی توجه زیادی شده و آن را پاک و منـزّه مـی‌دانـد چـرا کـه خداوند می‌فرماید:« و نفخت فیه من روحی». (حجر، آیـه ۲۹)و در آن از روح خـودم دمیـدم. از آنجایی که کمال‌جویی در فطرت انسان‌ها گنجانیده شده است می‌بایست عـدالت مطلـق را کـه در قران مجید مکرراً از آن یاد شده بر جهان حکم‌فرما کنند تا به مقصود برسـند و ایـن عـدالت تنهـا از طریق حاکمیت اسلام بر جهان امکان‌پذیر است. در حاکمیت اسلام برای ارشـاد مجـرمین طـرق گوناگونی در نظر گرفته‌شده است ولی گاهی اوقات در آخرین مرحله، اسلام ایـن اجـازه را داده کـه مجرمین را به کیفر اعمال خود برسـانند در فلسـفه مجـازات از دیـدگاه اسـلام رسـیدن بـه اهـداف خاصی موردنظر قانون‌گذار هست.

انتقام و پوشش دهی به بزه دیده و قربانی جرم از دیرباز به‌عنوان هدف مجازات مورد توجه قـرار بـود و کیفر بسیار از آن تأثیر می‌پذیرفت و افکار عمـومی نیـز باقـدرتی هرچـه تمـام‌تر آن را در بلنـدای

جهت‌گیری‌های اهداف مجازات جای می‌داد. اثر پذیری یاد شده تا آن اندازه بود که از زمان پیدایش نخستین سازمان اجتماعی تا سال‌های پایانی قرن هجدهم میلادی، واکنش در برابر جرم تنها در اشکال انتقام خصوصی، مذهبی و سیاسی خودنمایی می‌کرد

در چشم انداز کلی، راهکار ویژه اسلام در راه‌یابی به مصلحت‌های جامعه و افراد، مخاطب سازی درون انسان، فراخوانی به پالایش آن و سر انجام سفارش به ترس از خشم الهی است. (الحصری، ۱٤۱۳/ ۱: ۱۳۱)

بدین‌سان، بر پایه این رویکرد، جرم افزون بر به هم ریزی آرامش جامعه، برای حقیقت وجود آدمی نیز آسیب‌زا ویران گر به شمار می‌آید شاید این آیه شریفه که می‌فرماید:« إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا».(اسراء، آیه ۷) اگر نیکی کنید به خود نیکی کرده اید و اگر بدی کنید نیز به خود بد کرده اید. بر ادعای مزبور، گواه باشد زیرا بازگشت پیامدهای بدی و جرم را به جان‌های آدمیان پیوند می‌زند. افزون بر جرم، مجازات نیز در این نگاه، جایگاه ویژه‌ای دارد به‌گونه‌ای که تنها بازستاندن حق قربانی و بزه دیده جرم یا دفاع از آسایش جامعه موردتوجه نیست بلکه پوشش دهی به تاریکی پدید آمده در وجود آدمی به دنبال انجام گناه نیز در آن لحاظ شده است؛ به‌عبارت‌دیگر، کیفر در این رویکرد، کفاره‌ای هست که امکان اصلاح فر خاطی و مجرم را در بُعد وجودی وی فراهم می‌آورد. ی با عنایت به مقدمه فوق به اهداف مجازات از منظر اسلام اشاره می‌شود.

۱-۳)پاسداشت حریم الهی

حریم الهی، مناطق ممنوعه‌ای هست که حد و مرزهای آن با امر و نهی‌های خداوند تعیین شده است. این ویژگی از تعریف واژه‌های چون حرام و واجب نیز به‌خوبی نمایان است برای نمونه در باره حرام گفته شده است که آن، خواست انجام ندادن کاری هست که انجامش مجازات را به دنبال دارد قران کریم نیز ما را به پاسداشت حریم لهی فرا می‌خواند:« وَ مَنْ يُعَظِّمْ حُرُماتِ اللهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ» (حج، آیه ۳۰)هرکس مقررات خدا را بزرگ بدارد، آن نزد پروردگارش نیکوتر است. مراد از حرمات در آیه مزبور، هر آن چیزی است که نادیده انگاری آن روا نیست. بلکه

پایبندی به آن بایسته و خوب است.(طباطبایی، ۱٤۱۷/ ۱٤: ۳۷۲) بزرگ شماری حرام‌های الهی نیز به معنی فرو نگذاشتن جایگاه آن‌ها و بی اعتنایی نکردن به آنان است.(همان، ص ۳۷۳.)

۲-۳) اجرای عدالت

اجرای عدالت، یکی از اهداف مهم مجازات‌های اسلامی است. نصوصی که مقاصد کلی شریعت را بیان می‌کنند گواه این مطلب اند؛ و راه پی بردن به اهداف مجازات‌ها، شناخت مقاصد و اهداف کلان هر مکتب است. مطالعه متون دینی نشان می‌دهد که اسلام در بُعد اجتماعی و فردی بر قسط و عدالت تأکید کرده است. چنانکه خداوند در قران کریم می‌فرماید:« قُلْ أَمَرَ رَبِّی بِالْقِسْطِ». (اعراف، آیه ۲۹) مطابق این آیه شریفه و سایر آیات همسو، قسط و عدالت چیزی است که خداوند به آن فرمان داده است . چنانکه خداوند می فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید، آیه۲۵) این بدان معناست که عدالت، در سرشت هر فرمان الهی تبلور یافته است. قران هدف از ارسال پیامبران و انبیاء الهی و فرستادن کتاب و دین را برپایی جامعه بر اساس قسط و عدالت می‌داند.

امیرالمؤمنین علیه‌السلام عدالت را سبب حیات احکام الهی می‌داند. (آمدی، ۱٤۰۷/ ۱: ۲۵،) از منظر پیشوایان معصوم (ع) جامعه بشری، بدون عدالت، مرده و فاقد حیات واقعی است این عدالت است که هم چون باران بهاری زندگی را به بشر ارزانی می‌دارد و باعث شکوفایی اجتماعی می‌گردد. (حرعاملی، ۱۵۰۱ / ۱۸: ۳۰۸))ابراین تردیدی باقی نمی‌ماند که مقررات کیفری اسلام ازجمله مقررات ناظر به تعیین مجازات‌ها، به‌عنوان بخشی از یک نظام حقوقی گسترده و پیشرفته، هم مبتنی بر عدالت است و هم تحقق عدالت از اهداف مجازات آن به شمار می‌آید. (نوبهار،۱۳۸۹: ۹۹)

مطالعه متون کیفری نیز گواهی می‌دهد که تحقق عدالت، یکی از مهم‌ترین از اهداف مجازات‌ها در سیاست جنایی اسلام است به‌ویژه در مقررات مربوط به باب قصاص، به‌اندازه‌ای بر عدالت تأکید شده است که برخی، هدف از اجرای قصاص را اجرای عدالت دانسته اند. (همان) چنانکه خداوند در قران کریم می‌فرماید:« وَمَن قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنَا لِوَلِيِّهِ سُلْطَاناً فَلَا يُسْرِف فِّی الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُوراً».(اسراء، آیه ۳۳) و یا در ایه دیگر می‌فرماید:« وَجَزَآءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِّثْلُهَا».(شوری، آیه

٤٠) کیفر هر بدی، مجازاتی است همانند آن به نحوی بزه دیده حق نـدارد بیشـتر از حـق خـودش مجرم را قصاص نماید. چنانکه باز هم قران کریم تصریح می‌کنـد:« وَإِنْ عَـاقَبْتُمْ فَعَـاقِبُوا بِمِثْـلِ مَـا عُوقِبْتُمْ بِهِ».(نحل، آیه ١٢٦) اگر خواستید کیفر دهید، همان‌گونه که با شما رفتار شده کیفـر دهیـد. نتیجه سخن اینکه تأکید آموزه اسلامی بر عدالت چنان اسـت کـه مـی‌تـوان آن را هـم چـون اصـل راهنما در تعیین کمیت و کیفیت مجازات‌ها به کار بست.

۳-۳) اصلاح و تربیت بزهکار

اندیشه توجه به اصلاح و بازپروری مجرمین یکی دیگر از اهـداف مجازات‌هـا در سیاسـت جنـایی اسلام مورد توجه قرار گرفته است تأکید متون دینی بر اصلاح و تزکیه آدمی چنان فـراوان اسـت کـه نیازی به توضیح ندارد هم چنان‌که قران کریم در آیات متعـدد، هـدف از بعثـت انبیـاء و پیـامبران را تزکیه و تربیت آدمی دانسته‌اند.(جمعه، آیه ۲ و بقره، آیه ۱۲۹، آل عمـران، آیـه ١٦٤) صـرف‌نظر از این‌گونه تأکید های کلی، دقت در مقررات کیفری اسلام ازجمله موارد سقوط مجازات‌ها بـه‌خوبی نشان می‌دهد که از اهداف بنیادین کیفرهای اسلامی، اصلاح و بازپروری بزهکاران اسـت بـر پایـه آیات قران مجید، کیفر بسیاری از جرائم در شرایطی با توبه بزهکار ساقط مـی‌شـود حتـی محـارب پیش از گرفتار شدن اگر توبه کند کیفر نمی‌شود.(سوره مائـده، آیـه ٣٤) بـه تصـریح قـران کـریم، هرگاه سارق پس ارتکاب سرقت توبه کند مجازات قطع دست در مورد وی اجرا نمی‌شود.(مائـده، آیه ۳۹)

از برخی متون فقهی چنین برمی‌آید که همه کیفرهای اسلامی با توبه ساقط مـی‌شـوند. شـهید اول در مقام تبیین تفاوت‌های حدی و تعزیری می‌فرماید:« ششمین فرق این است که کیفر تعزیـری بـا توبه ساقط می‌شود ولی در سقوط برخی کیفرهای حدی بر اثر توبه، میان فقها اختلاف نظر وجـود دارد وی در ادامه می‌نویسد ظاهر آن است که مجازات با توبه، قبل از قیـام بیّنـه سـاقط مـی‌شـود». (عاملی(شهید اول،بیتا / ۲ : ١٤٤) چنین فتاوای به‌خوبی نشان می‌دهـد کـه تنهـا در مـورد سـقوط برخی کیفرهای حدی میان فقها اختلاف نظر وجود دارد؛ چنانکه در سقوط توبه پس قیـام بیّنـه بـر وقوع جرم نیز اختلاف نظـر وجـود دارد.(نوبهـار، ۱۳۸۹: ۱۰۹) جـدا از ایـن اخـتلاف نظرهـای

جزئی، نقش توبه در سقوط در نظام کیفری اسلام بسیار گسترده است. سقوط مجازات بر اثر توبه نشان‌گر این مطلب است که یکی دیگر از اهداف مجازات‌ها در سیاست جنایی اسلام، اصلاح و بازسازی بزهکار است. هم چنان که دقت در پاره‌ای ملاحظات که از سوی پیشوایان دین در زمینه اجرای حدود رعایت شده نیز به‌خوبی نشانه آن است که در اجرای مجازات‌ها اصلاح حال بزه‌کاران مورد توجه قرار گرفته است.(همان)

۳-۴) بازدارندگی عمومی و خصوصی

پیش‌گیری از ارتکاب جُرم و ایجاد موانع برای جلوگیری از نزدیک شدن به زشتی‌ها و آلودگی‌های عملی و اخلاقی، بخش وسیعی از تعلیمات اسلامی را به خود اختصاص داده است. اسلام در کنار برنامه‌هایی که انگیزه‌های مجرمانه را از بین می‌برد و انسان‌ها را از درون اصلاح می‌کند، یک عامل بازدارنده بیرونی نیز قرار داده است که اگر کسانی علی‌رغم همه برنامه‌های تربیتی اسلام باز هم به‌طرف جرم و نقض قوانین رفتند و حقوق دیگران را پایمال نمودند، از بیرون آن‌ها را کنترل نماید و از اعمال مجرمانه آن‌ها جلوگیری کند. این عامل بیرونی، همان مجازات‌هایی است که توسط شارع وضع گردیده است و هر کدام به‌گونه‌ای از وقوع جرائم بیش‌تر جلوگیری می‌کنند.

البته طبیعی است که پیش‌گیری از ارتکاب جرم، باید به‌گونه‌ای باشد که بتواند بر احساسات سودجویانه و مجرمانه مجرمین بالفعل و بالقوه غلبه کند و به همین دلیل رسیدن به هدف پیش‌گیری نوعاً با نوعی خشونت و ایجاد ترس همراه است که احیاناً ممکن است با بعضی دیگر از اهداف مجازات تعارض پیدا کند. رسیدن به این هدف، در مجازات‌هایی که به‌عنوان «حد» در سیستم کیفری اسلام وجود دارد، نمود بیش‌تری دارد، ازآنجا که جرائم مستلزم حد، نوعاً منافع و مصالح اساسی جامعه را مورد تهدید قرار می‌دهد و ارکان حیات اجتماعی را می‌لرزاند، طبعاً هدف اساسی باید جلوگیری از وقوع چنین جرائمی در جامعه باشد. از وقوع این جرائم به هر وسیله‌ای باید جلوگیری کرد و مصلحت عمومی را تأمین نمود، اگرچه ممکن است بعضی از منافع و مصالح فردی از بین برود و در واقع فرد فدای جمع شود. وجه تسمیه این مجازات‌ها به «حد» نیز بی‌تناسب با ماهیت آن‌ها نبوده است، زیرا حد در لغت به معنای «منع» نیز آمده است

و حدود یعنی موانع. چنانکه خداوند می‌فرماید:« وَ السّارِقُ وَ السّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُما جَزاءً بِما كَسَبا نَكالاً مِنَ اللّهِ وَ اللّهُ عَزيزٌ حَكيمٌ».(مائده، آیه ۳۸) دست مرد دزد و زن دزد را، به کیفر عملی که انجام داده اند، به‌عنوان یک مجازات الهی و بازدارنده قطع کنید؛ و خداوند توانا و حکیم است. دو کلمه "جزاءً و نکالاً" مفعول له برای فعل "فاقطعوا" هستند که علت و هدف از وقوع فعل را بیان می‌کنند. عبارت "جزاءً بما کسبا" گواه آن است که کیفر ناشی از عملکرد بزهکار است و رفتار مجرمانه بدون کیفر نمی‌ماند. (نوبهار، ۱۳۸۹: ۱۱۷) از عبارت نکالاً من الله هم می‌توان فهمید که از اهداف مجازات‌های اسلامی، بازدارندگی عمومی و خصوصی است؛ زیرا واژه "نکل" در اصل به معنای منع کردن و بازداشتن است.(فراهیدی، ۵/۱٤۱۰،: ۳۷۲ ،ذیل واژه نکل)

در مجازات‌های تعزیری نیز، یکی از اهداف مهم مجازات، پیش‌گیری از وقوع جرائم است و حاکم اسلامی باید با توجه به این هدف، مجازات‌های مناسبی را برای جرائم وضع نماید؛ مثلاً در جرائمی که مجرم به دنبال رسیدن به منافع مادی نامشروع است، وضع مجازات‌های مالی می‌تواند نقش بازدارنده مهمی ایفا نماید تا این که به مجازات حبس یا تازیانه اکتفا شود.

از دیگر نکاتی که نشان می‌دهد ازجمله اهداف مجازات‌ها در سیاست جنایی اسلام بازدارندگی بزهکار از ارتکاب مجدد جرم است، تحلیل روند تشدید مجازات‌ها در صورت تکرار جرم است. بنا بر نظریه مشهور فقها، در جرائم سرقت، زنا و مساحقه، هرگاه کسی پس از ارتکاب جرم حد بر او جاری شود، چنانچه برای مرتبه چهارم مرتکب این جرائم شود کشته خواهد شد. (نجفی، ٤١/ ١٤٠٤، صص: ۳۳۱،۳۸۳،۳۹۰) هم چنانکه در جرم شرب خمر بنا بر نظریه مشهور، کیفر قتل برای ارتکاب در مرتبه سوم پیش‌بینی شده است. (همان، ص ٢٦٤-٢٦١)

توصیه به اجرای برخی مجازات‌ها در حضور جمعی از مؤمنان را هم می‌توان در راستای تأکید بر نقش بازدارندگی عمومی و خصوصی مجازات‌ها ارزیابی کرد. (نور، آیه۲) چنین تمهیدی، افزون بر تقویت عنصر بازدارندگی در کیفر، نوعی بها دادن به نظارت همگانی بر اجرای مجازات‌ها نیز هست. نظارت گروهی از مردم باعث می‌شود تا نوعی ضمانت اجرا برای عدالت کیفری فراهم آید زیرا اگر نظارت عمومی بر اجرای کیفرها نباشد چه بسا قدرتمندان و توان گران از کیفر رهایی یابند یا اینکه نهادهای مسئول اجرای مجازات، از حد و مرز شرعی و قانونی تجاوز کنند و افراد را بیش

از استحقاقشان به کیفر برسانند. بدین‌سان، نظارت جامعه اسلامی یا نمایندگان آن بر اجرای مجازات‌ها را می‌توان جلوه و نمود از مشارکت مردم در فرایند کیفری قلمداد کرد.(نو بهار، ۱۳۸۹: ۱۲۰) وجود برخی کیفرها در میان مجازات‌های اسلامی مانند به دار آویختن محارب نیز نشانه تأکید بر جنبه بازدارندگی کیفر است زیرا به دار آویختن محارب چه قبل از مرگ و چه پس از مرگ مجرم باشد دارای نقش بازدارندگی شدید است همان‌گونه که پیش‌بینی مجازات‌های مانند تشهیر در باره شاهدان دروغین و کلاه‌برداران را نیز می‌توان در راستای تأکید بر جنبه‌های بازدارندگی کیفر ارزیابی کرد. (نجفی، ١٤٠٤/ ٤١: ٥٩٨ و قلعه جی،١٤٠٣: ١٢٠)

افزون بر همه این‌ها در پاره‌ای از متون دینی به نقش بازدارندگی مجازات‌ها تصریح شده است چنانکه محمد بن مسلم می‌گوید از امام باقر یا امام صادق (ع) در مورد شخصی که شراب می‌نوشد پرسیدم. امام فرمود کسیکه مرتکب این خطا گردد تعزیر می‌کنم اما اگر بر این کار مداومت داشته باشد به سختی مجازات می‌کنم زیرا چنین کسی همه حرام‌ها را حلال می‌شمارد و اگر مردم به این حال رها شوند فساد در جامعه گسترش می‌یابد. (حر عاملی، ١٤٠١/ ج٢٨،: ٢٢٥)

۵-۳) دفاع از جامعه و ارزش‌های آن

در اغلب اندیشه‌های کیفری مربوط به توجیه مجازات، دفاع از جامعه به‌گونه‌ای مورد توجه بوده است حتی مکتب تحققی (اثباتی) وظیفه مستقیم و مهم عدالت کیفری را دفاع از جامعه می‌داند. (مارک، آنسل، ۱۳۷۵ : ۲۵)

آموزه‌های اسلامی به‌جای تأکید یک جانبه بر اصالت فرد یا جامعه به گونه متعادل بر اهمیت فرد و جامعه تأکید می‌ورزد به دین لحاظ کیفرهای اسلامی هم در کنار اهتمام به فرد و اصلاح وی دفاع از کیان جامعه را مورد لحاظ قرار داده است. خداوند در آیات از قران کریم خود را انتقام گیرنده از بزهکاران معرفی کرده است. بسیاری از این آیات ناظر به کیفرهای اخروی است بااین‌حال برخی از آن‌ها دارای لحن عامی است که شامل کیفرهای دنیوی نیز می‌شوند.(سجده، آیه ۲۲، زخرف، آیه ٤١ و دخان، آیه ١٦). قطع نظر از اینکه احتمال دارد به بارگیری این واژه در کلام خداوند صرفاً

نوعی همراهی و هم‌زبانی با مردمی باشد که در فرهنگ غالب خویش کیفر را انتقام از بزهکار تلقی می‌کرده اند. انتقام الهی همچون انتقام زیان دیدگان از بزهکاران نیست

در واقع، انتقام بردوگونه است: فردی و اجتماعی. انتقام فردی که اصل حیاتی است که انسان و حتی برخی حیوانات هم به آن عمل می‌کنند بر خواسته از حس تشفی خاطر و نوعی احساس درونی است؛ که آدمی یا حیوان را به این کار وامی‌دارد. عقل هم گاهی این‌گونه انتقام را جایز می‌شمارد و گاه از تأیید آن خودداری می‌کنند. اما در انتقام اجتماعی یعنی کیفرهای که در جوامع بشری در برابر نقض قوانین وهنجارهای اجتماعی وضع می‌شوند غالبا انگیزه رسیدن به مقصود عقلی است؛ و در واقع هدف آن حفظ نظام اجتماعی از اختلال، دفاع از حقوق بزه دیدگان و دفاع از ارزش و هنجارهای اجتماعی است. انتقام از این نوع حقی از حقوق جامعه است. هرچند ممکن است با حقوق فردی و شخصی نیز همراه باشد. انتقام که در قرآن و روایات به خداوند نسبت داده می‌شود انتقام مرتبط به حقوق جامعه و هنجارهای آن است نه انتقام فردی که بر خواسته از احساسات درونی و به منظور تشفی صورت می‌گیرد؛ زیرا چنین انتقامی در مورد خداوند معنی ندارد. (، نو بهار، ۱۳۸۹ : ۱۱۲) چون ساحت حق‌تعالی والاتر از آن است که از جرم مجرمان و گناهی گنهکاران زیان ببیند. انتقام به این معنی ریشه در رحمت عام الهی دارد زیرا نگاه قانون‌گذار به کسانی که برای آنان وضع شده مهربانانه است. از دیگر شواهدی که نشان می‌دهد که سیاست جنایی اسلام به دفاع از جامعه نیز توجه دارد پیش‌بینی مجازات‌های مانند تبعید و حبس بزهکاران است. (طبسی، ۱۳۱۱: ٤٥) این‌گونه مجازات‌ها می‌تواند از جنبه های اصلاحی و تربیتی برخودار باشد؛ اما در برخی موارد مخصوصاً در مورد بزهکاران حرفه‌ای و خطرناک به منظور دفاع از جامعه اعمال می‌شود چنانکه امیرالمؤمنین بزهکارانی که جامعه را آزار می‌دادند و اختلال در نظم اجتماعی ایجاد می‌کردند آنان را زندانی می‌کردند.

به همین ترتیب ایرادی درجه‌ای از ترذیل و خواری بزهکاران را که در برخی متون دینی آمده صرفاً می‌بایست در راستای منافع اجتماعی کیفر و دفاع از جامعه نه کیفر گرایی افراطی ارزیابی کرد. از دیرباز در نظام‌های حقوقی مختلف یکی از کارکردهای مجازات یا دست‌کم برخی از انواع مجازات جنبه ترذیلی آن بوده است؛ که مجرمان را به منظور خوار ساختن مجازات می کردند. تا

او و دیگر کسانی که قصد ارتکاب بزه دارند بدانند که در برابر نقض هنجارهای اجتماعی و تحمل ننگ کیفر مواجه خواهند شد. این هدف مبتنی بر این پیش‌فرض است که بزهکار به لحاظ اخلاقی مسئول است و باید در برابر اعمال که انجام داده است. سزایان را ببیند. بر پایه این نظریه مجازات جرائم خطرناک بایستی به‌اندازه کافی جابجایی احساسات یا رنج و ناراحتی ناشی از آن‌ها را که توسط اکثریت شهروندان احساس می‌شود منعکس کند زیرا مجازات در واقع نشان‌گر تنفر اجتماعی از جرم است. (صفاری، ۱۳۸٤: ۳۱۵-۳۱٤)

۶-۳) جبران خسارت بزه دیده

از گذشته تا حال در مقام سزادهی به قربانیان جرم توجه می‌شده است. اولوجلی(Aulu Gelle.) دانشمند معروف رومی در کتاب شبهای آتن گفته: «است یکی از علل کیفر این است که مقام و منزلت کسی که تقصیر علیه او رخ‌داده است حفظ شود. تا فقدان کیفر موجب تحقیر او نگردد و از شرافتمندی او کاسته نشود». (پرادل، ۱۳۷۷: ۱۸) هم‌چنین جبران خسارتی که با ارتکاب جزم بزه دیده وارد آمده موردتوجه بوده است. نهاد دیه که در بسیار از نظام‌های حقوقی و اسلام پیش‌بینی‌شده بر پایه همین نظریه استوار است. در چند دهه اخیر حقوق کیفری نیز با تأکید مضاعف بر عدالت ترمیمی در پی آن است تا آثار جرم ازجمله زیان‌های وارد آمده به قربانی جرم جبران شود. با تحصیل رضایی بزه دیده آثار روحی ناشی از ارتکاب جرم جبران شود. در این رویکرد سعی به راین است تا واکنش به جرم به پاسخ کیفری محدود نشود بلکه بزهکار هم قبح عمل خود را دریابد و هم برای زدودن آثار آن اقدام کند. ضمن اینکه نزاع به معنی واقعی آن پایان یابد و پس از رسیدگی قضایی باب مشاجرات و انتقام های شخصی احتمالی نیز بسته شود. (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۲ : ۳۹)

مقررات اسلامی، در جاهای که ماهیت جرم تعدی به حقوق دیگران است جبران خسارت وارده آمده به آسیب دیدگان و ارضا خاطر آنان را مورد توجه قرار داده است. صرف نظر از ماهیت دیه پیش‌بینی لزوم پرداخت ان از سوی جانی و حتی در بسیار موارد از سوی بیت‌المال نشانه توجه به ترمیم خسارت‌های وارد آمده به بزه دیدگان است. به دین لحاظ واگذاری حق قصاص به نظر و

خواست مجنی علیه و یا اولیا او دقیقاً ناظر بر جلب رضای بزه دیده است. در جرم قذف نیز حق اجرای کیفر و یا گذشت از مجرم به بزه دیده واگذار شده است؛ و این نوعی توجه به مجنی علیه است.

توبه نیز که در بسیاری جاها موجب سقوط کیفر می‌شود در حق‌الناس مشروط به رضایت مجنی علیه است. به نحوی که بدون رضایت وی توبه که مسقط کیفر دنیوی باشد تحقق نیافته است؛ و این به معنی توجه به نقش بزه دیده در فرایند کیفری و لزوم تلاش برای جبران خسارت وارده به وی و نیز ترمیم خاطر آزرده اوست.(نو بهار، ۱۳۸۹: ۱۲۳)

نتیجه‌گیری

برآیند تحقیق نشان می‌دهد که با تحلیل مجموعه‌ای از اصول و قواعد حاکم بر احکام کیفری اسلام و توجه به رویکردهای کلی شارع مقدس، می‌توان تااندازه‌ای زیادی به فهم اهداف مجازات‌های اسلامی در سیاست کیفری اسلام نزدیک شد. زیرا اهداف شارع مقدس در باب مجازات‌ها رازی سر به مُهر و از مقوله امور توقیفی و تعبدی نیست. مقررات کیفری اسلام، در زمینه اهداف مجازات‌ها، ضمن توجه شایست و بایسته به ملاحظات انسانی که قابل توسعه اند، به‌جای تأکید نا متعادل بر یک جنبه ای از کیفر، به ابعاد گوناگون مجازات‌ها هم چون اجرای عدالت، بازدارندگی عمومی و خصوصی، جبران خسارت‌های پدید آمده از جرم، دفاع از جامعه و ارزش‌های آن و هم‌چنین اصلاح و بازپروری مجرمین و بزهکاران توجه کرده است. با توجه به نقش وسیع و بی بدیل توبه در سقوط مجازات‌ها و نیز تأکید آموزه‌های دینی بر اصلاح و تربیت فرد هم چون یکی از اهداف پیامبران الهی، می‌توان گفت: بازسازی مجرمین و بزهکاران و اصلاح او برای ورود مجدد به جامعه، از اهداف مهم کیفرهای اسلامی محسوب می شود. ضمن اینکه از منظر مکتب اسلام، سوء استفاده از مجازات‌ها برای ارعاب مردم یا تحکیم پایه‌های قدرت و سلطه جویی، جایگاهی ندارد زیرا مجازات در هرحال برخاسته از روح و رحمت انعطاف است نه خشونت و انتقام‌گیری.

پی نوشت:

پی نوشت ها:

۱. «انی بعثت لاتمم مکارم الاخلاق»

۲. « العدل حیاه الاحکام». غررالحکم و دررالکلم، حدیث ۴۴۰

۳. حسن، عاملی، « عَنْ أَبِي إِبْرَاهِيمَ ع فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ يُحْيِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا - قَالَ لَيْسَ يُحْيِيهَا بِالْقَطْرِ- وَ لَكِنْ يَبْعَثُ اللَّهُ رِجَالًا فَيَحْيُونَ الْعَدْلَ- فَتَحْيَى الْأَرْضُ لِإِحْيَاءِ الْعَدْلِ ...» وسایل الشیعه، ج ۱۸، ص ۳۰۸، باب ۱ از ابواب مقدمات حدود، حدیث ۳

۴. شهید اول در ششمین تفاوت حد و تعزیر می نویسد:«السادس: سقوطه بالتوبة و في بعض الحدود خلاف و الظاهر أنه إنما يسقط بالتوبة قبل قيام البينة».

۵. البته در مورد شرب خمر دو دسته روایت وجود دارد برخی از روایت کیفر شرب خمر در مرتبه سوم را قتل دانسته و برخی روایات نیز کیفر قتل را در مرتبه چهارم پیش بینی کرده اند. از این رو شماری از فقها از جمله؛ شیخ طوسی در کتابهای خلاف و مبسوط و علامه و هم چنین فخرالمحققین و شهید اول همین رای را برگزیده اند. شیخ صدوق در جمع بین روایات گفته است: شاید در این باره اختیار با حاکم باشد که هرگونه مصلحت دانست عمل کند.

۶. والیشهد عذابهما طایفه من المومنین،

۷. « عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الشَّارِبِ فَقَالَ- أَمَّا رَجُلٌ كَانَتْ مِنْهُ زَلَّةٌ فَإِنِّي مُعَزِّرُهُ- وَ أَمَّا آخَرُ يُدْمِنُ فَإِنِّي كُنْتُ مُنْهِكَهُ عُقُوبَةً- لِأَنَّهُ يَسْتَحِلُّ الْمُحَرَّمَاتِ كُلَّهَا- وَ لَوْ تُرِكَ النَّاسُ وَ ذَلِكَ لَفَسَدُوا». وسائل الشیعة، ج۲۸، ص: ۲۲۵، باب چهار از ابواب حد مسکر، روایت ۶

کتابنامه:

قرآن کریم فهرست منابع و مآخذ

ابوالحمد، عبدالحمید، مبانی سیاست، تهران، انتشارات توس، چاپ ششم، ۱۳۷۰.

امیر حمزه سالار زایی و فاطمه جان جان، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، شماره ۲۱ زمستان ۱۳۹۰.

آقازاده، علی‌رضا، سیاست جنایی ایران در قلمرو جرائم قاچاق گمرکی، تهران، پیک سبحان، چاپ اول، ۱۳۸۱.

آمدی، عبدالواحد، غررالحکم و درر الکلم، بیروت، اعلمی، چاپ اول، ۱۴۰۷.

آ نسل، مارک، دفاع اجتماعی، با ترجمه محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۵.

پرادل، ژان، تاریخ اندیشه‌های کیفری، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی و نشر یلدا، ۱۳۷۷.

پیوندی، غلام‌رضا، جرم سیاسی، تهران، سازمان انتشارات فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۸۸.

جهان بزرگی، احمد، اصول اندیشه سیاست در اسلام و غرب، بی‌نا، بی چا، ۱۳۸۰.

حر عاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعه، تحقیق: عبدالرحیم ربانی، تهران، مکتبه الاسلامیه، چاپ ششم، ۱۴۰۱.

الحصری، احمد، السیاسه الجزائیه، بیروت، دارالجیل، بی چا، ۱۴۱۳.

خان داور، میرزاعلی اکبر باهری، نگرش بر حقوق جزای عمومی، تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجد، چاپ اول، ۱۳۵۱.

خزانی، منوچهر، جزوه درسی حقوق جزای عمومی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، سال ۱۳۶۶-۶۷.

دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم ۱۳۷۷.

رحمدل، منصور، سیاست جنایی ایران در قبال جرائم مواد مخدر، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی، چاپ اول، ۱۳۸۶.

رضایی، محمد داود، «پایان‌نامه» ساست جنایی افغانستان در قبال اطفال بزهکار، جامعه المصطفی العالمیه، موسسه آموزش عالی علوم انسانی، آبان ۱۳۹۰.
شامبیاتی، هوشنگ، حقوق جزای عمومی، تهران، مجد، چاپ شانزدهم، ۱۳۸۸.
صفاری، علی، توجیه یا دلیل‌آوری برای مجازات، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۴۲، ۱۳۸۴.
طباطبایی، محمدحسین، المیزان، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی چا، ۱۴۱۷.
طبرسی، حسن بن فضل مکارم الاخلاق، بی‌جا، شریف الرضی، ۱۳۹۲.
طبسی، نجم الدین، موارد السجن فی النصوص و الفتاوی، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۱۱ هـ‌ق.
عاملی، محمد بن جمال‌الدین، القواعد و الفوائد، تحقیق: عبدالهادی حکیم، قم، مکتبه المفید، چاپ اول، بی تا.
علی، سلیمی و محمد داوری، جامعه‌شناسی کجروی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۵.
علی‌آبادی، عبدالحسین، حقوق جنایی، انتشارات فردوسی، چاپ دوم، ۱۳۶۸.
عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، تهران، انتشارات جاویدان، بی چا، ۱۳۵۵
فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، ۸ جلد، قم، نشر هجرت، چاپ دوم، ۱۴۱۰ هـ‌ق.
قپانچی، سید صدرالدین علم السیاسه، بیروت، الشرکه العالمیه للکتب، چاپ اول، بیتا،
قلعه جی محمد رواس، موسوعه فقه علی بن ابی‌طالب، سوریه، دارالفکر، چاپ اول؛ ۱۴۰۳.
قیاسی، جلال‌الدین، مبانی سیایت جنایی حکومت اسلامی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۵.
لویس معلوف، المنجد فی اللغه و الاعلام، بیروت، دارالمشرق، چاپ سی و هفتم، بی‌تا.
المرزوقی، ابراهیم عبدالله، حقوق الانسان فی الاسلام، امارات، منشورات المجمع الثقافی، چاپ اول ۱۹۹۷.
معین، محمد، فرهنگ معین، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۱.
موسوی خمینی سید روح‌الله، صحیفه نور، تهران، اسوه، بیچا، ۱۳۸۰.
نجفی ابرندآبادی، علی حسین، از عدالت کیفری کلاسیک تا عدالت ترمیمی، مجله الهیات و حقوق، شماره ۹ و ۱۰، ۱۳۸۲.
---------- سیاست جنایی، گزیده مقالات آموزشی، تهران، نشر سلسبیل

----------از سیاست کیفری تا سیاست جنایی، دیباچه درآمد بر سیاست جنایی، تهران، نشر میزان، چاپ اول ۱۳۸۲.

نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم، بیتا.

نوبهار، رحیم، اهداف مجازات‌ها در جرائم جنسی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۹.

واسطی، زبیدی، حنفی، محب الدین، سید محمد مرتضی حسینی، تاج العروس من جواهر القاموس، ۲۰ جلد، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، چاپ اول، ۱۴۱۴ ه‍.ق.